

شیب تند اخبار منفی علیه مهاجران افغانستانی خطرناک است

ساماندهی مهاجران غیرقانونی بهتر از همسایه‌هراسی



زینب مزوقی

خبرنگار گروه نشر روز

از سال ۵۸ که حکومت شوروی در افغانستان و پهنف حکومت کمونیستی افغانستان مداخله کرد، اولین پارسیل مهاجرتی از افغانستان به سوی ایران روانه شد. نگاه سیاستمداران ما در دهه ۶۰ سیاحتی درهای باز بود. به همین دلیل پذیرای نزدیک به یک میلیون افغانستانی شدیم. موج دوم با حضور طالبان در ابتدای دهه ۷۰ اتفاق افتاد و برای بار دوم شاهد یک هجوم جمعیت از افغانستان به سمت ایران بودیم. موج سوم مهاجرتی نیز در حمله آمریکا به افغانستان در ابتدای دهه ۸۰ رخ داد و آخرین موج مهاجرتی که ازتقصا در این سال هابسپار طولانی بود، پس از برقراری و استقرار حکومت طالبان از نیمه اول سال ۱۴۰۰ است. در این موج تا سال گذشته براساس آمار غیررسمی نزدیک به یک تا ۱٫۵ میلیون مهاجر افغانستانی وارد ایران شدند و تقریباً چنین عددی نیز به پاکستان مهاجرت کردند. ورود موج آخر مهاجران افغانستانی به ایران اما از سال ۱۴۰۰ تا به امروز حواشی زیاد و البته جدی داشته است. عمده حواشی پیش آمده در رابطه با حضور مهاجران افغانستانی در ایران اما به دلیل ورود غیرقانونی این مهاجران و البته عدم ساماندهی آنهاست به همین دلیل هراز گاهی، فیک‌نیوزها یا حتی تحلیلگران واقعی عالم رسانه با استناد به اطلاعات غیرواقعی و بی‌انقاص و مبهم در رابطه با مهاجران افغانستانی تحلیل های غیرواقعی ارائه می دهند که ازتضا با هم مبهم و ناقص است.

یک نقل قول و چند ابهام

روژ گذشته خبری به نقل از مدیرکل بیمه سلامت در برخی از منابع خبری رسمی و غیررسمی منتشر شد. مدیرکل بیمه سلامت استان البرز در نشست خبری به مناسبت هفته دولت گفته بود: «از تعداد زایمان‌های استان بالغ بر ۵۰ درصد مربوط به اتباع بیگانه بوده است.» همچنین مدیرکل بیمه سلامت استان البرز در بخشی دیگر از سخنان خود عنوان کرده بود: «با توافقی که با کمیساریای عالی انجام شده

است به‌صورت رایگان حدود ۴ هزار نفر اتباع تحت بیمه رایگان قرار گرفته‌اند.» آنچه در این بین نقل شده بود اما دقیقاً همان سخن مربوط به تعداد زایمان های اتباع افغانستانی بود. مساله ای که در این بین و در وهله اول محل ابهام بوده، این است که تعداد جمعیت مهاجر افغانستانی ساکن استان البرز در مجموع چقدر است؟ ابهام دوم اما درصورت روشن شدن ابهام اول، این است که چه تعداد از جمعیت مهاجر افغانستانی ساکن استان البرز مادر هستند و شرایط باروری دارند؟ ابهام بعدی و مهم‌تر این است که تعداد زایمان های استان البرز چقدر است که بیش از نیمی از آنها، مربوط به مهاجران افغانستانی است؟

خطر فیک‌نیوزهای مهاجرستیز از شیوع بیماری های واگیردار بیشتر است

در یک فلش بک کلسی به چند ماه اخیر می بینیم خبرهای زرد مهمی مربوط به جمعیت مهاجر افغانستانی منتشر شده که موج نگرانی و ترس رادر میان مردم ایجاد کرد و این ترس و نگرانی در بخشی از جامعه مجدداً شعله‌های مهاجرستیزی و افغانستانی ستیزی رادر مردم روشن کرد. در ابتدا خبری مبتنی بر شیوع جذام در کشور منتشر شد و پس از آن در فضای مجازی، اکانت‌های مهاجرستیز عامل شیوع را مهاجران افغانستانی معرفی کردند.به دنبال انتشار این شایعه‌مهشیدناصحنی، رئیس اداره سل و جذام وزارت بهداشت با رد افزایش موارد ابتلای این دو بیماری گفته بود: «در ۲۰ سال گذشته موارد ۶۷ مورد در سال بود حوالاً امایان عدد به ۱۰ مورد رسیده که معمولاً همیشه ۳ نفر آنها از اتباع بوده‌اند.» پس از ایجاد نگرانی در رابطه با شیوع جذام در جامعه توسط مهاجرجراسان، باز هم زنگ خطر شیوع یک بیماری دیگر توسط مهاجران افغانستانی در رسانه‌ها اعلام شد. رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان اینکه تعدادی از اتباع کشورهای شرقی ایران به‌صورت غیرمجاز و در مقاطع زمانی مختلف وارد کشور شده‌اند، گفته بود: «با توجه به اینکه این افراد در مدت‌زمان سفر خود به ایران در شرایط نامساعد قرار دارند و از مرزهای غیررسمی وارد شده‌اند، زمانی که به این افراد دسترسی پیدا کردیم تعدادی از آنها مبتلا به بیماری اسهالی شدید بودند که با انجام آزمایش های

درباره مرکز عملیات نرم آلمان در تهران که بیشتر از یک کلاس زبان است

گوته یاگشتاپو؟

ادامه از صفحه ۱

به دنبال آن در دوران ویلی برانت، مفهوم «فرهنگ‌گسترده» اساس فعالیت‌های موسسه گوته را تشکیل داد. مجموعه این رفتارها باعث شد تا در آن دوران، در جهان دوقطبی، کشورهای بلوک شرق ماموریت جدید گوته را در چهارچوب «تبلیغات غربی» و «ابزاری برای جاسوسی» ببخوانند.

گوته در ایران

پیش از انقلاب در ایران، گوته علاوه بر آموزش زبان آلمانی، فعالیت‌های گسترده‌ای در حوزه فرهنگ داشت که یکی از آنها برگزاری محفل شبانه شعر و سخنرانی به مدت ۱۰ شب در سال ۱۳۵۶ بود. با پیروزی انقلاب، گوته به دلیل فعالیت‌های فرهنگی در چهارچوب‌ارزش‌های غربی، تعطیل شد. گفته شده که چند سال بعد با رایزنی‌های سفارت آلمان، انستیتو گوته توانست در ایران برای ترویج زبان آلمانی مجدداً فعالیت کند اما پخش یک ویدئوی هتاکانه در تلویزیون آلمان غربی در ۱۵ فوریه ۱۹۸۷ (۶م بهمن ۱۳۶۵)، باعث شد تا ایران برای همیشه تصمیم به تعطیلی انستیتو گوته بگیرد؛ اتفاقی که در سال ۱۳۶۶ افتاد.

فعالیت با موسسه پوششی

علی‌رغم تلاش‌های برلین، تهران با بازگشایی مجدد گوته موافقت نکرد تا آلمانی‌های برایتی تداوم اهداف و عقب‌نماندن از موسسات رقیبای خود به‌ویژه انگلیسی و فرانسه، به منظور دوزن قوانین ایران و همچنین محدودیت‌های اعمالی، به جای در، این بار از پنجره وارد شوند. در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) سفارت آلمان، بدون دریافت مجوز از نهادهای مربوطه در ایران، موسسه زبان آلمانی (DSIT) را تأسیس کرد. برخلاف گوته که علاوه‌بر آموزش زبان، امکان فعالیت‌های فرهنگی در کشورها را نیز داشت، موسسه آموزش زبان آلمانی در تهران، همان‌گونه‌که از نامش پیداست، ظاهره‌دفش تدریس زبان آلمانی بود. این موضوع به صراحت در عقبنسافت آلمان در تهران آمده است که است که است موسسه «برای پیشبرد و حمایت از تفاهم بین آلمان و ایران در سال ۱۹۹۵» تأسیس شده است. طبق نوشته وب‌سایت سفارت، در مدت کوتاهی این موسسه تبدیل به «مرکز مهمی برای آموزش و بازآموزی زبان آلمانی» شد. بررسی اخبار آن سال‌ها چنین نشان می‌دهد که ایران در سال ۱۹۹۶، مجوزی ۴ ساله برای فعالیت این موسسه صادر کرده است. در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) این مجوز فعالیت منقضی شد و موسسه می‌بایست برای ادامه فعالیت، درخواست مجوز می‌کرد. در اردیبهشت ۱۳۸۳ (آوریل ۲۰۰۴) «دایکو پوستل»، رایزن مطبوعاتی سفارت آلمان در گفت‌وگو با شریق ادعا کرد «مجوز ادامه فعالیت انستیتو زبان آلمانی وایمنه به سفارت آلمان صادر شده است.» شرق نوشته بود «مقامات ایران با ادامه کار این مرکز مخالفت نکرده بودند و توافق‌هایی بر سر ادامه کار این انستیتو صورت گرفته بود.»

البته این موضوع هیچ‌گاه از جانب ایران تأیید نشد و شرق نیز نتخواست آن را به نقل از رایزن مطبوعاتی منتشر کند. نکته قابل توجه درباره فعالیت موسسه اینجاست که حتی در خبرهای منتشر شده در رسانه‌های غربی، هیچ نامی از «موسسه زبان آلمانی» نیست و آنها از فعالیت مجدد موسسه گوته در ایران گفته‌اند. این در صورتی است که پرونده گوته در سال ۱۳۶۶ برای همیشه بسته شد اما این حال و با توجه به اینکه (DSIT)، در واقع همان گوته با تابلوی جدید بود، همه آن را با نام گوته می‌شناختند. این مرکز در غیاب گوته عهده‌دار تمام وظایف گوته همچون برگزاری امتحانات آن شده بود. DSIT تنها در سال ۲۰۹۹، بیش از ۵ هزار زبان‌آموز در دوره‌های ابتدایی، متوسطه و پیشرفته داشته است. با وجود تعطیلی موسسه گوته در ایران و فعالیت DSIT، آلمانی‌ها همچنان مصر به بازگشایی مجدد گوته بودند. این موضوع به اندازه‌ای برای برلین مهم بود که تیرماه سال ۱۳۷۹ در جریان سفر سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران به آلمان در سال ۲۰۰۰ و دیدارش با گرهارد شرودر، صدراعظم وقت آلمان، شرودر خواستار بازگشایی مجدد شعبه‌ای از انستیتو گوته در ایران شد. اما چرا گوته در این سطح برای آلمانی‌ها مهم بود که با وجود ایجاد یک موسسه پوششی، باز هم خواهان فعالیت مجدد آن بودند.

چرا گوته مهم است؟

گوته بزرگ‌ترین سازمان حاکمیتی فرهنگی آلمان برای صدور فرهنگ و ارزش‌های آلمانی در کشورهای مختلف و به‌ویژه کشورهای هدف برلین در راستای تقویت سیاست خارجی فرهنگی برلین است. این موسسه اگرچه

لازم مشخص شد به وی‌ا مبتلا شده‌اند.»

چند تحلیل و یک مطالبه ملی

بخشی از اخباری که در دستور بالا مرور کردیم، واقعی و البته با تحریف و بخشی غیرواقعی هستند. فارغ از درست و غلط بودن خبر تعداد زایمان‌های مهاجران افغانستانی در استان البرز یا خطر شیوع وی‌ا، سل و جذام از سوی مهاجران افغانستانی اما مساله اصلی‌که باعث انتشار چنین اخبار و اعدادی شده است، عدم ساماندهی مهاجران افغانستانی تازه‌وارد و نامشخص بودن جمعیت آنهاست. دقیقاً همان ابهامی که در خبر تعداد زایمان افغانستانی‌های مقیم استان البرز وارد شد. در کلیت ماجرا و انتشار این دست از اخبار وارد است. اساساً چه تعداد مهاجر غیرقانونی یا مهاجر ساماندهی نشده وارد کشور شده است که برخی ه‌اسعی دارند با انتشار چنین اخباری، احساس ناامنی راه جامعه‌از سوی جمعیت مهاجر افغانستانی القا کنند؟ به‌نظر می‌رسد کار اصلی بر زمین مانده برای جلوگیری از انتشار این دست از اخبار پیش از آنکه پیگیری صحت و سقم ماجرا باشد، مطالبه ملی ساماندهی اتباع غیرقانونی افغانستانی است؛ چراکه وقتی ساماندهی شوند، جمعیت جدید وارد شده پس از سال ۱۴۰۰ مشخص خواهد شد و تمام ابهام‌ها در رابطه با جمعیت مهاجران افغانستانی روشن خواهد شد. اینکه اساساً چه تعداد دیزه در کشور مربوط به مهاجران افغانستانی است و یا مثلاً وقتی گفته می‌شود بیش از ۵۰ درصد از زایمان‌های استان البرز مربوط به مهاجران افغانستانی است، ما از کل جمعیت مهاجران افغانستانی مقیم استان البرز خبر داریم و می‌توانیم تعداد مولید مهاجران را از آن عدد استخراج کنیم. یعنی رسانه و مردم دیگر متأثر از پروپاگاندا ی مهاجرراسی نخواهند شد و کسی نمی‌تواند بگوید که قرارت مهاجرهای ایران توسط مهاجران افغانستانی فتح شوند. فضای به‌وجود آمده ناشی از اخبار زرد، مهاجرراسی و افغانستانی ستیزی نتیجه عدم ساماندهی اتباع تازه وارد است و به‌ضرر مردم ایران خواهد شد؛ چراکه ترس و اضطراب ناشی از چنین اخباری همواره در میان برخی از افراد جامعه هرچند کم، اما باقی خواهد ماند و نتیجه‌ای به جز دوقطبی در هم زبستی با مهاجران نخواهد داشت. دوقطبی به‌وجود آمده میان جامعه ایرانی و مهاجران افغانستانی که ناشی از

عدم ساماندهی اتباع است اما پیش از آنکه دوش در چشم ما ایرانی‌ها برود، به‌ضرر اتباع قدیمی افغانستانی ساکن ایران است و زندگی و تعامل لازم با جامعه را با ایرانیان سخت خواهد کرد. بنابراین به‌نظر می‌رسد مطالبه ساماندهی اتباع افغانستانی در ابتدا باید از سوی جامعه مهاجر قانونی مطرح شود و آنها از کشور میزان بخواهند پیش از اینکه فضای فعلی به‌ضرریشان تمام شود، مسئولان ایرانی به ماجرای حضور اتباع غیرقانونی افغانستانی رسیدگی کنند.

سرانجام میهمانان افغانستانی چه خواهد شد؟

در سال‌های گذشته و پس از ورود آخرین موج مهاجران افغانستانی به ایران، علی‌رغم اینکه شعارهای بسیاری در رابطه با میهمانان تازه‌وارد از سوی مسئولان داده شد اما هیچ‌یک عملیاتی نشد. یعنی ما همچنان شاهد ضدتوقیف‌شدن در تعداد مهاجران افغانستانی هستیم. همچنین مساله ساماندهی اتباع افغانستانی یک طرح و مساله مبهم در میان مسائل موجود در کشور است. یکی از راه‌های ساماندهی اتباع افغانستانی غیرمجاز، رد مرز شدن و بازرگدانن آنها به کشور مقصد و کنترل مرزهای ایران با افغانستان است. با این وجود اما همچنان مشخص نیست که سرانجام مرزهای شرقی چه خواهد شد؟ دیوارکشی میان ما و همسایه شرقی اصلاً چه اندازه شدنی و تا چه میزان هزینه‌بر است؟ یکی دیگر از راه‌ها، دادن اقامت‌های مختلف به مهاجران افغانستانی است. با وجود اینکه مهاجران قدیمی چند دهه است که در جامعه ایرانی زندگی می‌کنند اما هنوز مشکلات مختلفی برای زندگی در ایران دارند و هنوز سیاست مشخصی در رابطه با این مهاجران ارائه‌زده شده وجود ندارد. در این میان نیز معلوم نیست سروش‌ت مهاجران جدید افغانستانی هم برای زندگی در ایران مشابه با سروش‌ت و مشقت‌های مهاجران قدیمی خواهد شد یا بالاخره تکلیف‌تمام مهاجران با یک سیاست اصولی روشن خواهد شد؟ واقعیت ماجرا این است که مشخص نیست در این بین چه کسانی از عدم ساماندهی مهاجران افغانستانی نفع می‌برند اما هرچه هست عدم ساماندهی مهاجران افغانستانی هم برای جامعه ایرانی و هم میهمانان افغانستانی یک ماجرای دو سر باخت است و تنها مهاجرجراسان و افغانستانی ستیزان در این بین نفع خواهند برد.

فرهنگستان

کسولتی بود. لذا وزارت خارجه در چندین نوبت از سفارت آلمان خواست تا از رفتارهای خلاف عرف دیپلماتیک، خودداری کند اما می‌توجهی سفارت به این هشدارها باعث شد تا تهران براساس قوانین دیپلماتیک با آنها برخورد کند. تکثر اقدامات خلاف قانون باعث شد نهاد‌های مربوطه در ایران، به‌طور دقیق‌تری فعالیت موسسه وابسته به سفارت آلمان را مورد واکاوی قرار دهد و این موسسه را ملزم به پایبندی به قوانین کشور کند. لذا بر این اساس تذکرات لازم به سفارت برلین و فرصت یک ماهه برای بازنگری در اقداماتش داده شد، اما دولت آلمان به یکباره و با بهانه‌های واهی، چند ماه پس از حمله‌گسترده آذرماه سال گذشته به مراکز اسلامی ایران در کربلا و محاصره ۹ ساعته و توقیف اسناد، به مرکز اسلامی هامبورگ و چندین مرکز دیگر اسلامی یورش برد و این مراکز را تعطیل کرد تا عملاتشان دهد نه‌تنها حاضر به تغییر رویه ن‌دارست در ایران نیست که قصد دارد سیاست تهاجمی را در برابر ایران پیش گیرد.

از همین رو نیز ساعت ۱۰:۳۰ صبح سه‌شنبه ۳۰ مردادماه، پلیس با حکم قضایی به موسسه DSIT مراجعه کرد. اگرچه رسانه‌های وابسته به دولت آلمان مدعی ضرب و شتم کارمندان موسسه شده‌اند اما یک مقام آگاه در این باره به «فرهیختگان» گفت: «پلیس در ابتدا از مدیران درخواست ارائه مجوز قانونی کرد. اگر مدیران موافقت درای مجوزی می‌چوردی، به ادامه فعالیت‌شان پلامانع بود اما مدیران موسسه مجوزی ارائه نکردند.» به گفته وی، نبود مجوز باعث شد پلیس وسایل مرتبط با فعالیت غیرقانونی این موسسه از قبیل لپ‌تاپ، هارد و تلفن‌های همراه متعلق به موسسه و همچنین پرونده‌ها و بانک‌های اطلاعاتی مشتعل بر آموزش زبان و سایر آموزش‌های غیرقانونی همچون فرآیند تسهیل اعرام غیرقانونی نخبگان، دانشجویان و دانش‌آموزان به خارج کشور و اسناد مالی و تراکشن‌های غیرقانونی این موسسه را ضبط کند. آنگونه‌که این مقام آگاه گفته جمع‌آوری وسایل مرتبط با حدود ساعت ۱۴:۳۰ ادامه داشت و پس از صورتجلسه و تأیید آن توسط مدیران موسسه، تیم‌های عملیاتی بدون هرگونه خشونت، آسیب فیزیکی، دو دفتر موسسه را پلمب کردند.»

یکی از مسائل مورد توجه که باعث تصمیم‌گیری درباره عدم تداوم فعالیت موسسه DSIT شد، بررسی وضعیت مالی آن بود. به‌عنوان نمونه (DSIT) با آموزش سالیانه ۱۰ هزار زبان‌آموز و حدود ۱۵ هزار زبان‌آموز در نوبت ثبت‌نام، سالانه چند صد میلیارد تومان گردش مالی داشته اما حتی یک ریال مالیات پرداخت نکرده است. موضوع دیگر در این رابطه، نامشخص بودن محل هزینه‌کرد این درآمد توجه از سوی سفارت آلمان بود. براساس گزارشی که خبرگزاری میزان، داده است این دو شعبه «با نقض قوانین کشور مرتکب اعمال غیرقانونی متعدد و تخلفات گسترده مالی شده بودند.» در این گزارش آمده که «گزارش‌هایی از تخلفات سایر مراکز وابسته به آلمان» دریافت شده که «تحقیقات در این مورد در جریان است.» میزان اطلاعاتی درباره «اعمال غیرقانونی» و «تخلفات گسترده مالی» اعلام نکرده است اما برخی از یافته‌های نهاد‌های مسئول نشان می‌دهد موسسه در کنار آموزش زبان، قراردادهایی با برخی هنرمندان برای اجرای برنامه‌هایی مغایر با فرهنگ و هویت ایرانی داشته است. یکی از این قراردادها، در قالب پروژه‌ای به نام «رقص معاصر» است. رقص معاصر شکلی از رقص صحنه‌ای است که در میانه قرن بیستم توسعه یافته و از آن زمان به بعد، یکی از گونه‌های غالب در آموزش رسمی رقص در سراسر دنیاست و به‌خصوص طرفداران قابل توجهی در آمریکا و اروپا دارد. بخشی دیگر از درآمدهای موسسه زبان آلمانی، در تئاتر هزینه می‌شود. نکته قابل توجه اینجاست که مقامات سفارت برای کم کردن رد پول‌هایی که در این زمینه هزینه کرده‌اند، دست به پولشویی هم زده‌اند. تا بررسی جزئی اسناد موجود در موسسه، نمی‌توان درباره گستردگی نفوذ سفارت آلمان در میان هنرمندان و شبکه‌ای که آلمانی‌ها در این زمینه ایجاد کرده‌اند، سخن گفت اما این احتمال وجود دارد که بخشی از پروژه‌های پر حاشیه فرهنگی کشور، به شکلی به سفارت آلمان و موسسه آموزش زبان آلمانی مرتبط باشد. هنوز مشخص نیست این شعبه موسسه آموزش زبان آلمانی پس از بررسی تخلفات رخ داده امکان فعالیت در ایران را خواهند داشت یا خیر اما به‌وضوح مشخص است دیگر آلمانی‌ها این اجازه را پیدا نخواهند کرد در قالب موسسه زبان آلمانی، در زمینه‌هایی که مجوزی دربرآه آن ندارند، ورود داشته باشند.

فشار بر حکومت برای «تغییر قوانین کشور» به‌ویژه در حوزه آموزش و پرورش هدایت کند و در نهایت بتواند انگوی آموزش شهروندی در ایران را که «اساس پایبندی به ایدئولوژی دینی» تعریف شده را به آموزش «شهروندی دموکراتیک» تبدیل کند. در آن گزارش به آموزش سند ۲۰۳۰ در مدارس در قالب «کارگاه سند توسعه پایدار» و از طریق معلمان اشاره شده بود. در یکی از گزارش‌های بنیاد به‌صراحت آمده بیش از ۷۰ معلم «در حال حاضر مفاهیم دوره‌ای بنیاد اوراسیا را در کلاس‌های درس خود در سراسر ایران «وارد» کرده‌اند.

حالا آلمانی‌ها با برنامه (BKD) دقیقاً همان پروژه‌ای را که آمریکایی‌ها به صورت مجازی و زیرپوشتی دنبال می‌کنند، به شکلی عیان در مدارس ایرانی پیاده‌سازی می‌کنند. این برنامه در واقع بخشی از تلاش‌های گسترده‌وتری برای ترویج زبان و فرهنگ آلمانی در سراسر جهان است. با این حال در این برنامه، تمرکز اصلی روی معلمان است. گوته در این برنامه اقدام به پشتیبانی از معلمان، مدارس و نهادهای آموزشی‌ای می‌کند که زبان آلمانی را به‌عنوان زبان خارجی تدریس می‌کنند. در این برنامه منابع آموزشی (کتاب، ابزار آموزشی و حتی تجهیزات) مطابق با نظام آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ دولت آلمان و مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی آلمان تدریس می‌شود و معلمان ضمن آموختن این اصول در دوره‌های آموزشی‌ای می‌کنند، از سوی موسسه DSIT و در واقع گوته، تحت پشتیبانی فنی و آموزشی قرار می‌گیرند. تربیت نسلی از معلمان زبان آلمانی مطابق با فرهنگ غربی و همچنین حمایت مالی از آنها، شبکه‌ای از معلمان زبان آلمانی تشکیل می‌شود که این شبکه تضمین‌کننده تعلیم هزاران دانش‌آموزی خواهند بود که از دریچه فرهنگ و ارزش‌های غربی به دنیا می‌نگرند.

اردوی مختلط برای بچه‌های مدارس

اما طرح دوم که موسوم به «ابتکار پاش» (PASCH) است، نخستین بار توسط وزارت امور خارجه آلمان در سال ۲۰۰۶ راه‌اندازی شد. به گفته مقامات آلمانی، هدف این طرح «ایجاد یک شبکه جهانی از مدارس با پیوند‌های قوی با آلمان، ترویج زبان و فرهنگ آلمانی از طریق آموزش و پرورش» است. به عبارت ساده‌تر برنامه PASCH، شبکه‌ای از مدارس را تشکیل می‌دهد که زبان آلمانی را به‌عنوان زبان خارجی تدریس می‌کنند. در قالب این طرح سفارت آلمان، دانش‌آموزان را در قالب اردو به‌صورت غیرقانونی به خارج کشور اعزام می‌کند. در این اردوها که به صورت مختلط یا در آلمان یا در مرکزی وابسته به آلمان در گرجستان برگزار می‌شود، دانش‌آموزان تحت فرهنگ غربی آموزش می‌بینند. فارغ از محتوای این اردوها که در تضاد با فرهنگ ایرانی است، اعزام دانش‌آموز به خارج از کشور بدون اخذ مجوز از نهادهای ذی‌ربط غیرقانونی و خلاف است. حتی با فرض مطابقت کامل آموزش‌های این مدارس با اسناد بالادستی ایران، سپردن مدیریت تعلیم و تربیت کشور به دست کشور بیگانه، تبعات جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. نگرانی از آموزش‌های ارائه شده به دانش‌آموزان نژده‌ای باعث شد تا در سال ۲۰۱۶ یک برنامه موسسه گوته به نام «تبادل با مدارس همکار ترکیه‌ای» تعطیل شود؛ چراکه آنکارا اصرار داشت یک ناظر ترک به اردوگاه جوانان در آلمان اعزام شود اما گوته از پذیرش این درخواست خودداری کرد تا نه‌زای دولت ترکیه این برنامه را کنار بگذارد.

قرارداد برای دوره رقص معاصر

اما فعالیت‌های غیرقانونی موسسه آموزش زبان آلمانی محدود به حوزه آموزش نمی‌شود. با توجه به نقش آفرینی اپوزیسیون ضدایرانی در صحنه سیاست، در یک دهه اخیر برلین، بی‌برده‌تر فعالیت‌های فرهنگی مدنظر خود در ایران را دنبال کرد. برگزاری و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی غیرقانونی از جمله موضوعاتی همچون هنرهای نمایشی، رقص معاصر در پوشش موسسه زبان با تنظیم قراردادهای متعدد با سربزگ موسسه یکی از نمونه فعالیت‌های غیرقانونی موسسه است. در یک نمونه از این فعالیت‌های غیرقانونی در حوزه فرهنگ، نهادهای امنیتی، رد پای سفارت آلمان را در برگزاری یک جشنواره موسیقی فولکور (موسیقی محلی) که به مدت یک هفته در یکی از استان‌ها برگزار می‌شد،را کشف کرد. با سفر بدون مجوز رایزن فرهنگی آلمان به استان محل برگزاری جشنواره، مشخص شد این جشنواره با پشتیبانی مالی سفارت آلمان برگزار شده است. اگرچه با هوشیاری نهاد‌های مسئول، رایزن فرهنگی امکان حضور و سخنرانی در آن مراسم را پیدا نکرد اما رفتار وی مغایر با کنوانسیون وین در رابطه با قوانین

تاریخچه

پنجشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۳

درباره

شماره ۴۲۱۹

وبسایت

FARHIKHTEGANDAILY.COM

کانال تلگرام

FARHIKHTEGANONLINE

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب

درباره

تاریخچه

درباره

فهرست مطالب